

# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## ادامه‌ی مبحث نماز

### قرائت

در مصباح‌الشریعه‌ی امام صادق علیه‌السلام در آداب قرائت بیانات بسیار نورانی و عمیقی وجود دارد. این آداب را می‌خوانم و بحث امروزمان راجع به نماز را به همین مختصر خلاصه می‌کنم تا ان‌شاءالله جلسه‌ی آینده مفصل‌تر وارد این بحث شویم. عبارت مصباح‌الشریعه این است: «مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ وَ لَمْ

يَخْضَعُ لِلَّهِ وَ لَمْ يَرِقْ قَلْبُهُ وَ لَا يُنْشِئُ حَزَنًا وَ وَجَلًا فِي سِرِّهِ فَقَدْ اسْتَهَانَ بِعِظَمِ شَأْنِ اللَّهِ تَعَالَى وَ خَسِرَ

خُسْرَانًا مُبِينًا» بنا به نقل، امام صادق علیه‌السلام فرمودند کسی که قرآن را قرائت کند، اما در پیشگاه

الهی خضوع نکند و هنگام خواندن قرآن قلبش رقت پیدا نکند و حزن - حزن فراق، حزن هجران،

حزن دوری از حق - و ترس از کاستی‌ها و خطاها و جسارت‌ها و تجرّی‌هایش، در سرّش پدید

نیاید؛ ( یعنی این سه خصوصیت، یکی خضوع، یکی رقت قلب و دیگری حزن و ترس، این سه در

وجود او ایجاد نشود؛) این فرد به عظمت شأن پروردگار توهین کرده است و به زیان آشکاری مبتلا

شده است.

پس قرآن خواندن باید چنین آثاری در قرآن‌خوان داشته باشد. اگر نمازگزار موظف است در نمازش قرآن تلاوت کند؛ سوره‌ی حمد را و یک سوره پس از سوره‌ی حمد، بخواند؛ قرآن خواندن او در نماز باید این آثار را در پی داشته باشد؛ والا هم به مقام حق توهین کرده است و هم خودش متحمل خسارت عظیمی شده است.

سپس فرمودند: «فَقَارِيءُ الْقُرْآنِ مُحْتَاجٌ إِلَى ثَلَاثَةِ أَشْيَاءَ» کسی که قرآن قرائت می‌کند به سه چیز محتاج است؛ «قَلْبٍ خَاشِعٍ» یکی قلب خاشع «وَبَدَنِ فَارِعٍ» دیگری پیکر و بدنی که فارغ است و مشغولیتی ندارد «وَمَوْضِعٍ خَالٍ» و یک خلوتگاه، یک جای خلوت.

«فَإِذَا خَشَعَ لِلَّهِ قَلْبُهُ فَرَّ مِنْهُ الشَّيْطَانُ الرَّجِيمُ» امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمودند: وقتی قلب شخصی که می‌خواهد قرآن بخواند، در برابر پروردگار خاشع می‌شود، شیطان رانده شده، از او می‌گریزد و فرار می‌کند؛ چون شیطان نمی‌تواند به صاحب قلب خاشع نفوذ کند. «قَالَ اللَّهُ تَعَالَى «فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ»<sup>۱</sup>» حضرت صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ در تأیید فرمایششان این آیه‌ی شریفه را تلاوت فرمودند. فرمودند: خدای متعال فرمود هنگامی که قرآن می‌خوانی، از شیطان رجیم و رانده شده‌ی از درگاه حق، به خدا پناه ببر. پس اولین چیزی که مورد نیاز قاری قرآن است، قلب خاشع است.

---

<sup>۱</sup>. سوره‌ی نحل، آیه‌ی ۹۸.

«فَإِذَا تَفَرَّغَ نَفْسُهُ مِنَ الْأَسْبَابِ تَجَرَّدَ قَلْبُهُ لِلْقِرَاءَةِ» هنگامی که بدنش یا نفسش از اسباب و وسایل ظاهری فارغ می‌شود و دست می‌کشد؛ وقتی از مشغولیت و اعتماد و اتکاء به وسائل ظاهری دل می‌برد، قلبش تجرّد پیدا می‌کند. قلبش برای ارتباط پیدا کردن با خدای متعال از طریق قرائت قرآن، فراغت پیدا می‌کند. «وَلَا يَعْتَرِضُهُ عَارِضٌ فَيَحْرِمُهُ بَرَكَهَ نُورِ الْقُرْآنِ وَفَوَائِدَهُ» و هیچ عارضی بر او وارد نمی‌شود؛ هیچ چیز او را نسبت به قرائت بی‌توجه نمی‌کند تا در نتیجه‌ی اشتغال به چیزهای دیگر و بی‌توجهی و عدم حضور قلب، او را از برکت نور قرآن و فوائد و آثار ارزشمند آن محروم کند.

«فَإِذَا اتَّخَذَ مَجْلِسًا خَالِيًا وَاعْتَزَلَ عَنِ الْخَلْقِ بَعْدَ أَنْ أَتَى بِالْخَصْلَتَيْنِ خُضُوعِ الْقَلْبِ وَفَرَغِ الْبَدَنِ» وقتی قاری قرآن محلّ خلوتی را برای تلاوت قرآن اختیار کرد و از خلق کناره گرفت و عزلت جست؛ بعد از این که آن دو خصلت اولیه را فراهم کرد؛ یکی خضوع و خشوع قلب و یکی فراغت بدن و نفس، وقتی با وجود این دو به خلوت آمد؛ «إِسْتَأْنَسَ رُوحُهُ وَ سِرَّهُ بِاللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ» روح قاری قرآن و سر او - که لایه‌ی عمیق‌تر از روح است - با خدای عزّ و جلّ انس می‌گیرد؛ «وَ وَجَدَ حَلَاوَةَ مُخَاطَبَةِ (مُخَاطَبَاتِ) اللَّهِ تَعَالَى عَزَّ وَجَلَّ عِبَادَةَ الصَّالِحِينَ» و حلاوت و شیرینی گفتگوی خدای عزّ و جلّ با بنده‌های صالح خود را می‌چشد و می‌یابد که وقتی خدای متعال با بنده‌ی صالح خود سخن می‌گوید، چقدر شیرین است. «وَ عَلِمَ لُطْفَهُ بِهِمْ وَ مَقَامَ اخْتِصَاصِهِ لَهُمْ بِفُنُونِ كَرَامَاتِهِ وَ بَدَائِعِ إِشَارَاتِهِ» و فرد خلوت‌گزیده پی می‌برد به لطفی که خدا به بندگان صالحش دارد و به مقامی که

خدای متعال برای آنها اختصاص داده است به فنون مختلف کراماتی که شامل حال آنها می‌سازد و اشارات بدیعی که متوجه ایشان می‌کند. کسی که بعد از خشوع قلب و فراغت بدن، به خلوتی برای قرائت قرآن کریم رفته است، این حقایق را می‌یابد و لمس می‌کند. بعد حضرت فرمودند: «فَإِنْ شَرِبَ كَأْسًا مِنْ هَذَا الْمَشْرَبِ (الشَّرْبِ)» اگر جامی از شرابِ روحانی آیات قرآن کریم نوشید؛ «حِينَئِذٍ لَا يَخْتَارُ عَلَى ذَلِكَ الْحَالِ حَالًا» هیچ چیز و هیچ حال را بر آن حال بر نخواهد گزید و ترجیح نخواهد داد. «وَعَلَى (لَا عَلَى) ذَلِكَ الْوَقْتِ وَقْتًا» و هیچ زمان و وقتی را بر چنین وقتِ انس و خلوتی که با حقّ متعال دارد و از این شرابِ روحانی چشیده است، ترجیح و برتری نخواهد داد؛ «بَلْ يُؤْتِرُهُ عَلَى كُلِّ طَاعَةٍ وَ عِبَادَةٍ» بلکه فردی که این شرابِ قرآنی و روحانی را نوشید، آن را بر همه‌ی طاعات و عبادات نیز ترجیح خواهد داد. نه تنها بر تمتّعات مادی و دنیوی و لذائذ ظاهری و حیوانی و طبیعی، که حتی بر همه‌ی طاعات و عبادات هم ترجیح می‌دهد؛ «لَأَنَّ فِيهِ الْمُنَاجَاةَ مَعَ الرَّبِّ بِلَا وَاسِطَةٍ» چرا که هنگام خواندن قرآن، بدون هر واسطه، با خدا نجوا و گفتگوی محرمانه و عاشقانه می‌کند. این خداست که هنگام تلاوت قرآن، بی‌هیچ واسطه با او سخن می‌گوید؛ و این لذّت سخن دوست را بی‌واسطه شنیدن، لذّتی است که با هیچ چیز قابل مقایسه و تعویض نیست.

سپس حضرت فرمودند: «فَانظُرْ كَيْفَ تَقْرَأُ كِتَابَ رَبِّكَ وَ مَنْشُورَ وَلَايَتِكَ» حال که این را فهمیدی، خودت بنشین فکر کن؛ نگاه کن بین کتاب پروردگارت را با چه حالی می‌خوانی؛ وقتی قرآن می‌خوانی در چه حالی هستی. حالِ شایسته‌ی قرآن خواندن آن بود که برایت گفتم. به خودت نگاه

کن و بین چگونه قرآن می‌خوانی. منشور ولایت و دلدادگی و سرسپردگی خودت را چگونه می‌خوانی. «وَ كَيْفَ تُجِيبُ أَوْامِرَهُ وَ تَجْتَنِبُ نَوَاهِيَهُ وَ كَيْفَ تَتَمَثَّلُ حُدُودَهُ» و هنگامی که خدای متعال در آیات قرآن تو را به انجام کارهایی امر می‌کند یا از ارتکاب اعمالی نهی می‌کند، چگونه امر خدا را اجابت می‌کنی و چگونه از آنچه خدا نهی کرده است، اجتناب می‌ورزی. و چگونه مرزها و حدودی را که قرآن ترسیم کرده است، امثال و آنها را مراعات می‌کنی؟ نگاه کن؛ خودت را ارزیابی کن. «فَإِنَّهُ كِتَابٌ عَزِيزٌ ﴿لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ﴾<sup>۲</sup> چرا که قرآن کتاب عزیز و قدرتمند و عزت‌مندی است که باطل نه از پیش‌رو و نه از پشت‌سر، قدرت نفوذ و نزدیک شدن به آن را ندارد. و این کتابی است که از جانب خدای حکیم و ستوده فرو فرستاده شده است. لذا حضرت فرمودند: «فَرَتَّلَهُ تَرْتِيلاً» پس قرآن را با آرامش و شمرده بخوان؛ تندتند نخوان. برای چه تندتند می‌خوانی؟! این کتاب پیامی را از محبوب ازلی برای تو آورده است. تندتند خواندن بدون توجه به این که به تو چه می‌گوید، چه فایده‌ای دارد؟ ترتیل یعنی شمرده خواندن، با تأنی خواندن، با تأمل خواندن. قرآن را با آرامش و تأنی بخوان؛ «وَ قِفْ عِنْدَ وَعْدِهِ وَ وَعِيدِهِ» وقتی به آیه‌ای رسیدی که وعده‌ی نیکی به تو می‌دهد؛ یا به آیه‌ای رسیدی که وعید و تهدیدی در دل آن نهفته است، توقف کن؛ بین به تو چه می‌گوید؛ تو را به چه بشارت می‌دهد؛ تو را از چه می‌ترساند؟ «وَ تَفَكَّرْ فِيْ أَمْثَالِهِ وَ مَوَاعِظِهِ» آنجا که قرآن تمثیلی به کار برده است، فکر

۲. سوره‌ی فصلت، آیه‌ی ۴۲.

کن بین از این مثال چه حقیقتی را خواسته به تو بفهماند؛ آنجا که قرآن کریم موعظه می‌کند؛  
پند و اندرز می‌دهد؛ بیندیش که چه پندی به تو می‌دهد. «وَ اخذَرُ أَنْ تَتَّعَ مِنْ إقامَتِكَ حُرُوفَهُ فِي

إِضَاعَةً حُدُودٍ»<sup>۳</sup> و بهره‌یز و بترس و بگریز از این که تمرکز و توجه و اقامت تو به این که حروف آیات

را درست تلفظ کنی، تو را به ضایع کردن حدود معنوی آن بکشاند. چنان حواست جمع این باشد

که حروف را از مخارجش ادا کنی؛ قواعد تجویدی را درست مراعات کنی و امثال اینها، که از این-

که این واژه‌ها چه حقیقتی را می‌گویند؛ چه پیامی را از جانب خدای متعال به تو منتقل می‌کنند،

توجهت منصرف شود و از آداب معنوی قرائت قرآن غافل شوی. حضرت فرمودند از چنین وضعیتی

بپرهیز؛ نکند چنان اسیر الفاظ قرآن شوی که از مفاهیم و حقایق و آداب معنوی قرآن غافل بمانی.

این پیامی بسیار عمیق از امام صادق علیه السلام بود در ادب قرائت قرآن که با توجه به آن می‌توان پی

برد کسی که می‌خواهد در نماز قرآن بخواند؛ سوره‌ی حمد یا سوره‌ی دیگری را در پی آن بخواند؛

چه حالی، چه تائی و آرامشی باید در او باشد.

اگر عمری بود ادب قرائت قرآن را جلسه‌ی آینده تفصیلاً خواهیم گفت؛ بحث مفصلی است؛ شاید

بیش از یک جلسه وقت ببرد.

## بیان اجمالی آداب قرائت قرآن

---

۳. امام صادق علیه السلام، مصباح الشریعة، ص ۲۸.

آداب قرائت قرآن اجمالاً چهارتا است. ادب اول در تلاوت قرآن تفکر و تفهّم است. واژه‌های قرآن مفاهیمی را در دل خود دارند؛ باید اندیشید که آن مفاهیم چیست. وقتی انسان آیه‌ای را می‌خواند، اگر قناعت کند به این که بی‌توجه به ترجمه و معنا، فقط واژه‌های عربی را خوانده باشد؛ یا این که بی‌توجه به رمز و رموزی که در دل کلمات و عبارات است، معنی یا ترجمه‌ی فارسی آنها را فهمیده باشد، خیلی محرومیت است. قرآن بطنی دارد؛ بطنش بطنی دارد؛ تا هفت بطن، تا هفتاد بطن. لایه به لایه مفاهیم قرآن عمیق‌تر و لطیف‌تر می‌شود. گمان نکنیم اگر ترجمه‌ی فارسی زیرنویس آیات قرآن را از قرآن مترجم خواندیم، آیه را فهمیده‌ایم! باید لایه به لایه به مفاهیم عمیق‌تر قرآن راه برد. هر لایه‌ای از قرآن با لایه‌ای از وجود ما هم‌خوانی دارد. اگر آن لایه‌ی وجود ما بیدار و زنده شد، به آن لایه‌ی قرآن راه پیدا می‌کند و آن پیام قرآن را می‌گیرد. پس اولین ادب، تفکر و تفهّم و اندیشیدن و فهمیدن این است که آیه چه می‌گوید؛ خدای متعال در قالب این الفاظ چه حقیقتی را می‌خواسته به ما انسان‌ها بفهماند.

ادب دوم تأثر است؛ یعنی تأثیرپذیری، متأثر شدن. یعنی آنچه آیاتی که می‌خوانیم می‌گوید؛ روی ما اثر بگذارد. آنجا که می‌ترسند و انداز می‌کند، به‌راستی با همه‌ی وجود بترسیم. آنجا که بشارت می‌دهد، به‌راستی به هیجان و بهجت بیاییم. تأثر و تأثیرپذیری از آیات قرآن. همین‌طور آیات را دنبال هم نخوانیم و رد شویم. حالاتی را که امیرالمؤمنین علیه السلام راجع به متّقین می‌فرمایند، داشته باشیم. البتّه متّقین کسانی‌اند که تازه سلوک را شروع کرده‌اند؛ مقام تقوا مقام نهایی و انتهای سلوک نیست؛ امّا راجع به همین متّقین فرمودند وقتی بر آیه‌ای عبور می‌کنند که در آن آیه تخویف و ترساندن است، همه‌ی وجودشان می‌لرزد. وقتی به آیاتی که در مورد عذاب‌های دوزخی

است می‌رسند، گویا خودشان دارند داخل دوزخ می‌سوزند؛ این‌گونه روی آنها تأثیر می‌گذارد. وقتی به آیه‌ای می‌رسند که حاوی بشارتی است، همه‌ی وجودشان به وجد و شادمانی می‌رسد. وقتی به آیه‌ای می‌رسند که راجع به بهشت است، گویا در بهشت متنعمند<sup>۴</sup>. متأثر شدن و تأثیر پذیری از قرآن یعنی این. فقط این‌گونه نباشد که بخوانیم و فرضاً معنایش را هم بفهمیم و تفکر و تفهّم داشته باشیم؛ اما تأثری حاصل نشود؛ تأثیری بر ما نگذارد. انگیزه‌ای در ما ایجاد نکند؛ حزن و اندوه و سرور و شادمانی‌یی در ما ایجاد نکند؛ اهمّی در ما شکل ندهد؛ عزمی در ما جزم نکند.

سومین ادب در تلاوت قرآن تبری است. یعنی وقتی قرآن می‌خوانیم، باید از حول و قوه‌ی خود متبری باشیم؛ تبری از خودپسندی و عُجب که حجاب‌های بزرگی است که مانع بهره‌مندی از قرآن می‌شود. اگر قرآن از نیکان و صالحان و مقربان سخن گفت، خود را از آنان نپنداریم و اگر از بدان و معصیتکاران سخن گفت، خود را مخاطب آن بشماریم.

چهارمین ادب تلاوت قرآن ترقی است؛ یعنی باید مرتّب سعی کنیم سطح ارتباطمان را با کلام الهی بالا ببریم. پلّه به پلّه بالا رویم؛ چند جلسه‌ی قبل گفتیم؛ اوّل مثل کسی که حرف می‌زند و ما گوش می‌دهیم و می‌فهمیم؛ اما این شروع راه است؛ باید پلّه به پلّه بالا روم؛ تا جایی که احساس کنیم بی‌واسطه سخن خدا را می‌شنویم؛ این را بیابیم. در روایات داریم که امام صادق علیه السلام مشغول نماز بودند؛ در سوره‌ی حمد به آیه‌ای رسیدند؛ آن آیه را بارها تکرار کردند؛ یک‌بار حضرت بیهوش شدند و به زمین افتادند. اصحاب حضرت را به هوش آوردند؛ عرض کردند یابن رسول الله، چه شد

---

<sup>۴</sup>. سیّد رضی، نهج البلاغه، خطبه‌ی ۸۷.



این‌گونه شدید؟ حضرت فرمودند آیه‌ای را تکرار کردم تا این که آن را مشافهتاً از گوینده‌ی آن شنیدم. یعنی مستقیم و بی‌واسطه از خدا شنیدم؛ پیکر بشری من طاقت نیاورد و لذا بیهوش شدم.<sup>۵</sup> قاری قرآن می‌تواند به اینجا برسد. اول باید احساس کند در پیشگاه خدا ایستاده است و قرآن می‌خواند. این مال عامه‌ی مردم است. بالاتر برود به جایی می‌رسد که می‌بیند خدا با او حرف می‌زند. و بالاتر از آن جایی است که خود خدا را در کلام خدا می‌بیند. امام صادق علیه السلام فرمودند: «لَقَدْ تَجَلَّى اللَّهُ لِعِبَادِهِ فِي كَلَامِهِ وَ لَكِنْ لَا يُبْصِرُونَ»<sup>۶</sup> خدای متعال در کلام خود تجلی کرده است و لکن مردم نمی‌بینند؛ چشم بینایی ندارند. می‌شود به جایی رسید که به قرآن نگاه کرد و خود خدا را دید؛ چون متکلم در کلامش حضور دارد.

مقام اول که احساس می‌کنی پیش خدا ایستاده‌ای و خودت قرآن می‌خوانی برای عموم مردم خوب است. اما وقتی دیدی خدا با تو سخن می‌گوید؛ آن وقت با همه‌ی وجود گوش می‌شوی؛ با همه‌ی وجود متمرکز می‌شوی که ببینی خدا به تو چه می‌گوید. وقتی احساس می‌کنی خدا با تو حرف می‌زند، حرمت نگه می‌داری؛ عظیم می‌دانی؛ حیا می‌کنی؛ هیبت الهی تو را می‌گیرد؛ به عنایات الهی امید پیدا می‌کنی. اما آنجا که خود خدا در کلام الله دیده می‌شود؛ مقام مقربان است. خدا در آینه‌ی قرآن تجلی کرده است و اگر دیده‌ی خدابین باز شود، می‌شود خدا را در آیات قرآن دید و به لقاء الهی نائل شد.

<sup>۵</sup> سیّد بن طاووس، فلاح السائل، ص ۱۰۷ و فیض کاشانی، محجة البيضاء، ج ۱، ص ۳۵۲.

<sup>۶</sup> مجلسی، بحار، ج ۸۹، ص ۱۰۷ و بهایی، مفتاح الفلاح، ص ۳۴۲ و بحرانی، عوالم العلوم، ص ۸۰۶ و ابن ابی جمهور احسائی، عوالم اللالی، ج ۴، ص ۱۱۶.

امیدواریم خدای متعال توفیق دهد بتوانیم ادب بهره‌مندی از قرآن در نماز را مراعات کنیم تا میوه‌های شیرین این درخت آسمانی توسط ما چشیده شود و به ذوق باطنی نائل شویم.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ